



طلوع سیاره میمون‌ها؛ یک فیلم جذاب پاد آرمان شهری

در سال ۲۰۱۱؛ حالا دنباله‌ی این فیلم و در مجموع هشتمین اقتباس از نوول ...

همشهری آنلاین-مهدی تهرانی:

۳ سال پس از اکران فیلم "ظهور سیاره میمون‌ها" در سال ۲۰۱۱؛ حالا دنباله‌ی این فیلم و در مجموع هشتمین اقتباس از نوول "سیاره میمون‌ها" به پرده‌ی نقره‌ای سینماها راه یافته‌است.

به مانند دیگر فیلم‌های پاد آرمان شهری و آخرا زمانی؛ طلوع سیاره میمون‌ها نیز تابع قواعد این ژانر بوده و کمی تا قسمتی با اکشن متعارف و مفاهیم بیشتر تولید شده است.

داستان فیلم طلوع سیاره میمون‌ها در باره دسته‌ای از میمون‌های جهش یافته‌است که به طور ژنتیکی دارای قابلیت‌های اعجاب انگیزی شده‌اند. در این دوره‌ی آپوکالیستیک؛ انسان‌هایی که از ویروس کشنده یک دهه قبل جان سالم بدر برده‌اند حالا مقابل این میمون‌ها قرار گرفته‌اند.

ابتدا نه جنگی درکار است و نه هیاهویی؛ ولی در ادامه گروه میمون‌ها و انسان‌ها تصمیم می‌گیرند به صلحی پایدار برسند. اما در دوره‌ی آخرا زمان هیچ چیز قطعیت ندارد...

اگر از علاقمندان ژانر علمی و تخیلی و گونه‌ی آپوکالیستی باشید قطعاً فیلم "طلوع سیاره میمون‌ها" برایتان جذاب خواهد بود و گر نه دیدن چنین فیلم‌هایی جز طرح سؤال و کلنجار رفتن با ذهن و اعصابتان هیچ چیز دیگری نصیب شما نخواهد کرد.

اما طلوع سیاره میمون‌ها Dawn of the planet of Apes از یک منظر دیگر نیز جالب توجه است. اگر خاطرتان باشد قسمت قبلی با نام تقریباً مشابه "ظهور سیاره میمون‌ها" Rise of the planet of Apes محصول 2011؛ هم داستان روایت یک دست و یک خطی نداشت و هم اینکه دو سکانس پایانی چنان ناپایدار و آبکی ماجرا را سر هم آوردند که کل فیلم از هم پاشید. این دنباله‌ی هالیوودی از معدود دنباله‌هایی است که اثر دوم بسیار بهتر از فیلم اول از کار درآمده است. در طلوع سیاره میمون‌ها مرز میان انسانیت و حیوان؛ منطقی و قابل درک روایت می‌شود. دیالوگ‌ها یکدست است و پیام فیلم قابل برداشت. از شعارزدگی کمتر خبری هست و مبنای ظهور و بروز صفات آدمی است. بشری که باید از نفرت و تعصب نسبت به نژاد بکاهد و به سمتی برود که امتیازات معنوی نیز مدنظر باشد.

برای این منظور مت ریز در مقام کارگردان تمرکز زیادی بر ابتدای فیلم گذاشته تا دسته میمون‌ها و ویژگی‌ها و خواسته‌هایشان را به بیننده معرفی کند. در حقیقت تا 20 دقیقه ابتدایی فیلم تماشاگر تکلیفش با گروه میمون‌ها مشخص است. روندی که اصلاً در قسمت قبلی یعنی ظهور سیاره میمون‌ها شاهد نبودیم.

در این روایت آپوکالیستی؛ آنچه به سر انسان آمده سراسر گفته می‌شود. آنچه مشخص است؛ دیگر سیطره انسان بر سیاره زمین به تاریخ پیوسته و دیگر آدمی بر دیگر مخلوقات کنترل ندارد.

طرفه آنکه دیگر آنچنان آفریده‌ای نیز وجود ندارد. ویروسی ناشناخته که در قسمت قبلی گریبانگیر کره زمین شده بود حالا مرگبار بودنش را بیشتر نشان می‌دهد. آنهایی که نجات پیدا کرده‌اند سعی دارند به جایگاه قبلی انسانیت برگردند. آنچه می‌بینیم این گروه در سانفرانسیسکو استقرار یافته و تلاش می‌کنند گستره جامعه‌ی خود را وسیع‌تر کنند.

این گروه تحت رهبری دو نفر به نام‌های دریفوس و مالکوم (به ترتیب با بازی‌های گری اولدن و جیسون کلارک) مجبورند جغرافیای محل زندگی خود را ترک کنند و سر از جنگل‌های موار در می‌آورند. تا اینجا کار هیچ چیز هیجان انگیز نیست. دریفوس و مالکوم جامعه‌شان را به گونه‌ای هدایت می‌کنند تا به هدف غایی‌شان یعنی دسترسی به انرژی میسر شود.

ورود گروه انسان‌ها به جنگل‌های موار اما چالش برانگیز است. چراکه اینجا مطلقاً محل سکونت جامعه‌ی میمون‌ها است. گروهی از میمون‌ها که تحت هدایت فرمانده‌شان "سزار" با قابلیت‌های بی نظیر؛ مشغول گذران زندگی هستند. سزار تکلم آدمی آموخته و قبیله‌اش نیز از او آموزش می‌بیند. آنها برای زندگی برنامه محور هستند و هر روز چیزهایی بیشتری برای بقا یاد می‌گیرند. حتی به نظر می‌رسد گروه میمون‌ها بسیار بیشتر از گروه انسان‌ها پیشرفت داشته‌اند.

با اینهمه تقابل این دو گروه با ورود دسته‌ی آدم‌ها به جنگل موار اجتناب ناپذیر است. دو گروه به هم برخورد می‌کنند اما آنچه طلوع سیاره میمون‌ها را جذاب کرده همین نحوه‌ی تقابل است.

با مواجهه‌ی آدم‌ها و میمون‌ها ابتدا به ساکن آنهایی که عقل و درک بیشتری دارند پیگیری صلح و آرامش را در دستور کار قرار می‌دهند اما به مانند زندگی قبلی در کره زمین؛ این تندروها هستند که در هر مرام و مسلکی که باشند جلوی صلح و خیرخواهی؛ سنگ اندازی می‌کنند.

اینجا نیز افراطی‌ها و تندروها هیچ چیز نمی‌خواهند جز ریختن خون رقیب. افرادی که دست بر قضا هم در گروه انسان‌ها و هم در گروه میمون‌ها بسیار زیادند.

طلوع سیاره میمون‌ها فیلمی برای سرگرم شدن است اما این قابلیت را دارد که کمی تا قسمتی بیننده را به فکر فرو برد که آیا واقعاً بشر امروزی زندگی سالمی دارد و رهبران جهان و سیاستمداران برای حفظ این سیاره و مردمش اقدامات تخریبی علیه طبیعت و بشر بر نداشته‌اند؟ اقداماتی که ممکن است چند قرن بعد گریبانگیر نوع بشر شود و سیاره را به تخریب رهنمون سازد؟

از بعد فنی نیز طلوع سیاره میمون‌ها نسبت به ساخته‌های مشابه فیلم شش‌دانگی است. بیننده توقع ندارد استودیوهای دیجیتال و همچنین تکنولوژی پیشرفته کامپیوتری؛ میمونی بسازد که نتوان فرقی بین آن و حیوان حقیقی قائل شد. هرگز اینگونه نیست.

در واقع از همان سکانس افتتاحیه تا حدود 20 دقیقه‌ای که جامعه‌ی میمون‌ها را می‌بینیم و شخصیت پردازی و معرفی‌شان شکل می‌گیرد؛ احتمالا همه‌مان میمون‌ها را حقیقی فرض نمی‌کنیم. اما بامزه اینجاست که تماشاگر داستان را می‌پسندد و با همین روند ماجراها را دنبال می‌کند؛ دقیقا امتیازی که قسمت اول نداشت همین داستان پر چالش و پراز افت و خیز بود. یادمان باشد؛ پیر بول در سال 1964 نوول سیاره میمون‌ها را نوشت. داستانی که سینما سریعاً به رویش دست گذاشت و تاکنون 8 نمونه از آن ساخته شده‌است. کارگردانان و بازیگران بزرگ و کوچکی در طی این 50 سال در این پروژه‌ها شرکت داشتند که بسیاری از آنها نقش غیر قابل انکاری در حفظ این اثر بزرگ ایفا کردند. اما طلوع سیاره میمون‌ها به یک دلیل احتمالا چیز دیگری است.

این دلیل به احتمال فراوان می‌تواند شخصیت ذاتی و هنری اندی سرکیس باشد. باید برای این هنرمند ارزشی خاص قائل شد. او محبوب تماشاگران و بازیگری بسیار پرطرفدار است. سرکیس در هر فیلم علمی تخیلی ظاهر شده از ارباب حلقه‌ها گرفته تا کینگ کنگ و یا همین طلوع سیاره میمون‌ها شاهکار کرده‌ست. بنابراین شاید موفقیت طلوع سیاره‌ی میمون‌ها را تا حدود زیادی بتوان به پای او نوشت.

Dawn of planet of Apes

کارگردان: مت ریوز/ فیلمنامه: مارک بومباک/ براساس نوول: پیر بول/ موسیقی: مایکل جیاچینو/ مدیر فیلمبرداری: مایکل سرسین/ تدوین: ویلیام هوی/ زمان فیلم: 131 دقیقه/ بودجه: 170 میلیون دلار/ فروش: 540 میلیون دلار/ محصول آمریکا 2014

بازیگران: اندی سرکیس (سزار)؛ گری اولدمن (دریفوس)؛ جیسون کلارک (مالکوم)؛ کری راسل؛ توبی کبل؛ کدی اسمی مک فی